



خدا مراد سلیمان

خانه دوست تکجاست

پنهان زیستی حضرت مهدی (عج) نه تنها چگونگی زندگی آن حضرت را در حاله‌ای از اسرار فروبرده که بسیاری از موضوعات مربوط به زندگی آن حضرت را نیز جزو امور پنهان نظام هستی قرار داده است.

یکی از مهم‌ترین این امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت و به ویژه غیبت کبری است. از این رو بسیاری علاقه‌مندند بدانند آن خورشید پنهان در کدامین بخش از این کره خاکی به گذران عمر می‌پردازند.

هزاران هزار انسان عاشق و شیفته صدها سال است که در هرگاه آدینه سخن به ندبه می‌کشایند و این‌گونه می‌سرایند: لیت شعری این استقرت بک النوی بل ائی ارض تفلک او ثری! ابرضوی او غیرها ام ذی طوی؟ عزیز علی ان اری الخلق ولا تری...^(۱)

ای کاش می‌دانستم در چه جایی منزل گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را در برگرفته است! آیا در کوه رضوایی و یا جای دیگری و یا در ذی طوی هستی؟ دشوار است بر من که خلق را ببینم و تو دیده نشوی... حال برای روشن شدن این بحث پای دل به گلستان کلام معصومین (علیهم‌السلام) می‌کشاییم و با سیری در کلام نورانی ایشان از آن انقاس قدسی برای حل این معما استمداد می‌طلبیم.

با یک نگاه ژرف و کلی در این بوستان پطراروت به چهارداسته روایت در این موضوع بر خواهیم خورد که هرکدام محل زندگی آن حضرت را در دوره‌ای از زندگی پربرت ایشان به تصویر کشیده‌اند؛ اگرچه برای برخی دوره‌ها صراحت و روشنی بیش تری وجود دارد. این دوره‌ها عبارتند از:

۱. دوران زندگی با پدر بزرگوار خود (۲۶۰ - ۲۵۵ هـ) شکی نیست که آن امام همام در شهر سامرا و در خانه‌ی پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (علیه‌السلام) دیده به جهان گشوده و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آن حضرت می‌زیسته است.

حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه‌السلام) به عنوان تنها زنی که داستان ولادت حضرت مهدی (عج) را به تفصیل نقل کرده است، می‌گوید: امام حسن عسکری (علیه‌السلام) مرا به نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه‌ی شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را که حجت او در روی زمین است، ظاهر سازد.

گوید گفتم مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست. فرمود: همین است که به تو

می‌گویم...

در ادامه حکیمه خاتون داستان آن شب نورانی و ولادت حضرت مهدی (عج) را به صورت مفصل بیان نموده است.^(۲)

هم‌چنین «ضوء‌بن علی از مردی» از اهل فارس که نامش را برد، نقل می‌کند که: به سامرا آمدم و به در خانه‌ی امام حسن عسکری (علیه‌السلام) چسبیدم. حضرت مرا طلبید. من وارد شدم و سلام کردم. فرمود:

برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم برای اشتیاقی که به خدمت شما داشتم. فرمود: پس دربان ما باش. من همراه خادمان درخانه‌ی حضرت بودم. گاهی می‌رفتم هرچه احتیاج داشتم از بازار می‌خریدم و زمانی که در خانه، مردها بودند، بدون اجازه وارد می‌گشتم.

روزی (بدون اجازه) بر حضرت وارد شدم و او در اتاق مردها بود. ناگاه در اتاق حرکت و صدایی شنیدم. سپس به من فریاد زد: بایست، حرکت مکن! من جرأت در آمدن و بیرون رفتن نداشتم. پس کنیزی که چیزی سرپوشیده همراه داشت از نزد من گذشت. آن‌گاه مرا صدا زد که در آی. من وارد شدم و کنیز را هم صدا زد. کنیز نزد حضرت بازگشت. حضرت به کنیز فرمود: از آنچه همراه داری روپوش بردار. کنیز از روی کودکی سفید و نیکو روی پرده برداشت و خود حضرت روی شکم کودک را باز کرد، دیدم موی سبزی که به سیاهی آمیخته نبود از زیر گلو تاناقش رودیده است. سپس فرمود: این است صاحب شما و به کنیز امر فرمود که او را ببرد. پس من آن کودک را ندیدم تا امام حسن (علیه‌السلام) وفات کرد.^(۳)

نه تنها بستگان نزدیک و خدمتگزاران بیت امامت آن حضرت را در شهر سامراء در خانه‌ی امام عسکری (علیه‌السلام) دیده‌اند که بسیاری از یاران و خواص اصحاب امامت به

شرف دیدار آن جمال چون آفتاب نائل آمده‌اند و همگی حکایت از آن دارد که تمامی مدت همراهی حضرت مهدی (عج) با پدرش در شهر سامرا سپری شده است. یعقوب بن منقوش گوید: بر امام حسن عسکری (علیه‌السلام) وارد شدم و او بر سکویی در سرا نشسته بود و سمت راست او اتاقی بود که پرده‌های آن آویخته بود. گفتم: ای آقای من! صاحب الامر کیست؟ فرمود: پرده را بردار پرده را بالا زدم و پسر بچه‌ای به قامت پنج وجب که حدود هشت یا ده سال داشت (در روایت است که رشد آن حضرت در کودکی فوق العاده بوده است) با پیشانی درخشان، رویی سید، چشمانی کُرّافشان، دوکف ستبر، دوزانوی برگشته، خالی برگونه راستیش و گیسوانی بر سرش بود، بیرون آمده و بر زانوی پدرش ایومحمد (علیه‌السلام) نشست. آن‌گاه امام حسن عسکری (علیه‌السلام) به من فرمود: این صاحب شماست. سپس برخاست و امام بدو گفت: پسر! تا وقت معلوم داخل شو و او داخل اتاق شد و من بدو می‌نگریستم. سپس به من فرمود: ای یعقوب! به داخل بیت برو ببین آن‌جا کیست؟ و من داخل شدم اما کسی را ندیدم.^(۴)

البته کم نبودند کسانی که علاوه بر افراد ذکر شده به شرف دیدار آن خورشید یگانه نایل آمدند. احمد بن اسحاق گوید: بر امام عسکری (علیه‌السلام) وارد شدم و می‌خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. او آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق خدای تعالی از زمان آدم (علیه‌السلام) زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تاروز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت. به واسطه‌ی اوست که بلا را از زمین دفع می‌کند و به خاطر اوست که باران می‌فرستد و برکات زمین را بیرون می‌آورد.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت، در حالی که برشانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نژاد خدای تعالی و حجت‌های او گرامی نبودی، این فرزند را به تو نمی‌نمودم. او هم‌نام و هم‌کینه‌ی رسول خدا (ﷺ) است. کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، هم‌چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است. او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ‌کسی در آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد، و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد. احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من، آیا نشانه‌ای هست که قلم بدان مطمئن شود؟ آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: انا بقية الله في ارضه و المنتقم من اعدائه ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده جستجوی نشانه مکن. احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم. (۵)

بنابراین تردیدی نخواهد ماند براین‌که حضرت مهدی (عج) در طول حیات امام عسکری (ع) همراه ایشان و در شهر سامراء مسکن و مأوی داشته‌اند و عده‌ی فراوانی آن حضرت را در آن‌جا دیده‌اند.

۲. دوران غیبت کوتاه مدت (غیبت صغری ۳۲۹ - ۲۶۰ هـ ق)

غیبت صغری عبارت است از پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی (عج) که طبق نظر مشهور با شهادت امام حسن عسکری (ع) (۲۶۰ هـ) آغاز شده و با رحلت چهارمین نائب خاص در (سال ۳۲۹ هـ) به پایان رسیده است، که مجموعاً شصت و نه سال می‌شود.

اگر به روشنی محل زندگی آن حضرت در این دوران مشخص نیست، ولی می‌توان به قرآنی حدس زد که بیش‌ترین حضور حضرت در این ایام در عراق بوده است.

از امام صادق (ع) در این زمینه نقل شده است که فرمود: للقائم غیبتان، احدهما قصيرة و الاخری طويلة، لغیبة الاولى لا یعلم بمكانه فیها الا خاصة شیعة و الاخری لا یعلم بمكانه فیها الا خاصة موالیه» (۶)

«برای حضرت قائم (عج) دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی، در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوصش کسی از جای او آگاه نیست. و از آن‌جایی که در دوران غیبت صغری از سفیران چهارگانه نزدیک‌تر به حضرت ذکر نشده است و ایشان هم تماماً در عراق زندگی می‌کرده‌اند و همواره با حضرت در ارتباط بوده‌اند، بنابراین می‌توان به عنوان یک احتمال گفت بخش عمده‌ی عمر ایشان در این دوران در عراق سپری شده است.

البته از روایاتی که مدینه‌ی منوره را به عنوان منزلگاه حضرت مهدی (عج) در طول غیبت بدون در نظر گرفتن صغری یا کبری بودن ذکر کرده، می‌توان این احتمال را

نیز بیان کرد که بخشی از زندگی حضرت در طول غیبت صغری در مدینه سپری شده است.

امام باقر (ع) در این باره فرمود: لابد لصاحب هذا الامر من عتلة... و نعم المنزل طيبة (۷)

به ناچار برای صاحب این امر عتله و گوشه‌گیری خواهد بود... و طیبه (مدینه) چه منزلگاه خوبی خواهد بود»

همین روایت در کتاب شریف کافی با اندک تفاوتی از امام صادق (ع) (این گونه روایت شده است. «لابد لصاحب هذا الامر من غیبة و لابد له فی غیبة من عتلة و نعم المنزل الطیبة» (۸)

به ناچار صاحب الامر غیبت کند و به ناچار در زمان غیبتش گوشه‌گیری کند. چه خوب منزلی است مدینه»

ابوهاشم جعفری گوید: «به امام عسکری (ع) عرض کردم: بزرگواری شما مانع می‌شود تا از شما پرسش نمایم. پس اجازه بفرمایید سؤالی بپرسم. حضرت فرمود: بپرس. عرض کردم: ای آقای من آیا فرزندی دارید؟ فرمود: بله. گفتم: فأن حدث بك حدث فاین اسأل عنه؟

(اگر اتفاقی رخ داد کجا آن را پیدا کنیم؟) فقال: بالمدينة» (۹)

بنابراین جمع بین این دو دسته از روایات به این صورت است که اگرچه آن حضرت در مدینه حضور داشته‌اند، ولی به خاطر نزدیکی و مجاورت نواب خاص و شیعیان منزل و مسکن ایشان بیش‌تر در عراق بوده است.

۳. دوران غیبت دراز مدت (غیبت طولانی)

اصطلاحاً غیبت کبری به مدت زیادی پنهان زیستی حضرت مهدی (عج) گفته می‌شود که با وفات آخرین نائب خاص حضرت در سال سی صد و بیست و نه هجری آغاز شده و هم‌چنان ادامه دارد و تنها در اراده‌ی خداوند است. که چه زمانی پایان می‌پذیرد. این دوران دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از دوران غیبت صغری کاملاً متمایز می‌سازد، که از جمله‌ی آن‌ها کامل شدن غیبت حضرت مهدی (عج) است.

به همان اندازه که پنهان زیستی حضرت مهدی (عج) در این دروان به کمال می‌رسد و نیابت و سفارت همانند دوران غیبت صغری وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص‌تر می‌شود و در این دوران است که هرگز به طور قطع نمی‌توان مشخص نمود آن حضرت در کجا زندگی می‌کند.

اگرچه پاره‌ای از روایات به زندگی آن حضرت در این دروان در مدینه‌ی منوره اشاره کرده ولی صراحتی در این معنا نیست که آن حضرت در آن‌جا دارای منزل و مسکن است و تنها می‌توان گفت ایشان بخشی از عمر شریف خود را در این دوران در مدینه سپری خواهند کرد.

اما روایاتی که به محل زندگی حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت و به ویژه غیبت کبری اشاره نموده‌اند از این قرار است:

الف) در مدینه‌ی طیبه
همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد در پاره‌ای روایات از مدینه‌ی طیبه به عنوان محل زندگانی آن حضرت یاد شده است.

امام صادق (ع) فرمود: به ناچار برای صاحب الامر غیبتی است و به ناگزیر در آن غیبت گوشه‌گیری خواهد

بود و چه نیکو منزلی است مدینه!

ب) در ناحیه‌ی ذی طوی

ناحیه‌ی ذی طوی در یک فرسخی مکه و در داخل حرم قرار دارد و از آن‌جا خانه‌های مکه دیده می‌شود.

در برخی از روایات از آن به عنوان جایگاه حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت سخن به میان آمده است.

امام باقر (ع) فرمود: «یکون لصاحب هذا الامر غیبة فی بعض هذه الشعاب و اوماً بیده الی ناحیه ذی طوی» (۱۰)

صاحب این امر را در یکی از این دوره‌ها غیبتی است و با دست خود به ناحیه‌ی ذی طوی - که نام کوهی است در اطراف مکه - اشاره نمود...

هم‌چنین در برخی دیگر از روایات آمده است که حضرت مهدی (عج) قبل از ظهور و در آستانه‌ی قیام در «ذی طوی» به سر می‌برد. امام باقر (ع) در تشریح محل بقیه‌الله (عج) در آستانه‌ی ظهور می‌فرماید: «ان القائم یهبط من تینة ذی طوی فی عدة اهل بدر ثلاثاً و ثلاثة عشر رجلاً حتی یسند ظهره الی الحجر الاسود و یهز راية الغالبة» (۱۱) قائم (عج) در میان گروهی به شمار اهل بدر، سی صد و سیزده تن، ازگرده‌ی ذی طوی پایین می‌آید تا آن‌که پشت خود را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروز را به اهتزاز در می‌آورد.

ج) در دشت‌ها و بیابان‌ها

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که آن حضرت در طول غیبت کبری دارای محل خاصی نیست و همواره در سفر به سر می‌برند.

از امام باقر (ع) نقل شده است که وقتی شباهت‌های حضرت مهدی (عج) به انبیاء را بیان نمودند، چنین می‌فرمودند: «... و اما شبهه من عیسی فالسیاحة...» (۱۲) و اما شباهت حضرت مهدی (عج) به حضرت عیسی (ع) جهان‌گردی (و نداشتن مکانی خاص) است.

البته متأسفانه این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبری سبب شده تا عده‌ای به گمانه‌زنی‌ها و خیال‌پردازی‌های بعضاً سخیف و واهی بپردازند و به طرح محل‌هایی که اثبات آن‌ها کاری بس دشوار است، روی آورند.

از افسانه‌ی جزیره‌ی خضراء گرفته تا مثلاً برمودا و مانند آن، حکایت‌هایی هستند که در تاریخ پر فراز و نشیب این اعتقاد رخ نموده است، ولی همواره روشنگران این مذهب بزرگ، شیعیان را از لغزش‌ها نجات داده‌اند. بی تردید این خیال‌پردازی‌ها به خاطر عدم تأیید از طرف روایات و مخالفت با مبانی عقلی، اگرچه هر از گاهی موج‌هایی ایجاد نموده است، ولی پس از مدتی به فراموشی سپرده شده است.

علی بن مهزیار پس از شرح ملاقات خود با حضرت مهدی (عج) سخنانی را از آن حضرت نقل کرده است که مؤید این معناست. ایشان می‌گوید آن حضرت فرمود: یا بن المازیار ابی ابومحمد عهد الی آلا اجاور قوماً غضب الله علیهم... امرنی الا اسکن من الجبال الا وعرها ولا من البلاد الا قفرها» (۱۳)

«ای پسر مهزیار! همانا پدر بزرگوارم با من عهد فرمود که در مجاورت قومی که خشم الهی را برانگیخته‌اند قرار

وزارت معاشی IAEA International Atomic



مضمون آن آمادگی آمریکا برای دست کشیدن از انحصار اتمی اش تحت نظارت یک سیستم امنیت بین المللی بود. نکات مهم طرح باروک عبارتند از: (۱) تأسیس یک مرجع بین المللی توسعه اتمی برای کنترل تمام مراحل ایجاد و توسعه و کاربرد انرژی اتمی؛ (۲) تفویض قدرت بازرسی نامحدود به این مرجع به منظور جلوگیری از تخلفات و تأمین امنیت؛ (۳) اعمال مجازات های سخت در مورد تخلفات استفاده از مواد هسته ای به منظور تولید سلاح های اتمی؛ (۴) پایان دادن به ساخت سلاح های اتمی و نابود کردن تمام ذخایر موجود سلاح ها پس از آن که این مرجع کنترل امور را در دست رفت؛ (۵) تغییر شیوه رأی گیری در شورای امنیت به طوری که نتوان از حق وتو برای جلوگیری از مجازات متخلفان استفاده کرد.

این طرح اگرچه به وسیله اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۶ رد شد، اما بسیاری از جنبه های اصلی قید شده در پیشنهادهای بعدی آمریکا برای خلع سلاح هسته ای از این منبع اخذ شده است. و در طی چندین سال گذشته، حوزه های عدم توافق کوچک تر شده است

ساختار آژانس
 هیأت حکام: اعضای هیأت حکام از دو گروه انتصابی و انتخابی تشکیل شده که در بدو تشکیل آژانس تعداد آنها بالغ بر ۲۵ عضو بوده است. (الف) اعضای انتصابی؛ هیأت حکام ۱۰ عضو از میان پیشرفته ترین دول عضو سازمان را از نظر تکنولوژی هسته ای در هر منطقه انتخاب می کند که از اعضای انتصابی شورای حکام محسوب می شوند. (ب) اعضای انتخابی؛ کنفرانس عمومی ۱۵ عضو انتخابی را از بین کشورهای عضو آژانس انتخاب می کند که به هیأت حکام راه می یابند. ۱

این مقال برگرفته از: یک جانبه گرایی در شورای حکام، مرتضی شیرودی، پگاه حوزه، ۳ آبان ۱۳۸۲، شماره ۱۰۶، ص ۵

شورای حکام یا آژانس بین المللی انرژی اتمی شورای حکام یا داور آژانس بین المللی انرژی اتمی (International Atomic Energy Agency) (IAEA) از جمله سازمان های بین المللی است که بر استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی و مصارف مسالمت آمیز آن، در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت. این سازمان جهانی در سال ۱۹۵۳ با پیشنهاد آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، به مجمع عمومی سازمان ملل مطرح و در دسامبر ۱۹۵۴، مجمع عمومی قطعنامه «اتم برای صلح» را تصویب کرد. سرانجام، در ۱۳ اکتبر ۱۹۵۶، پیش نویس اساسنامه آژانس در یک کنفرانس بین المللی در سازمان ملل متحد مورد تصویب ۸۰ دولت واقع شد. بدین وسیله، آژانس بین المللی اتمی در ۲۹ ژوئن ۱۹۵۶ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. از آن پس، آژانس به عنوان یک سازمان بین المللی، که مسئولیت هدایت استفاده از انرژی اتمی را در راه رفاه بیش تر بر عهده دارد، فعالیت خود را آغاز کرد. در اینجا، برخی اهداف، و سیاست های این سازمان را مطرح می کنیم:

طرح اتم برای صلح
 این طرح با هدف توسعه و کاربرد صلح آمیز انرژی اتمی مطرح شده است. یعنی کشورهای صاحب دانش هسته ای باید زیر نظر آژانس بین المللی در زمینه انرژی اتمی همکاری نموده، مواد قابل تبدیل به مواد هسته ای را که در انبارهای تسلیحات خود ذخیره کرده اند، در راه کمک به تحقیقات صلح آمیز و پروژه های توسعه به کار اندازند. در واقع، پیشنهاد «اتم برای صلح» به وسیله آمریکا با هدف محدود کردن مسابقه تسلیحاتی هسته ای و شکستن بن بست خلع سلاح و جلوگیری از فعالیت هسته ای سایر کشورها مطرح شد.

طرح باروک
 این طرح که به وسیله سیاستمدار پیر و کارکنسته آمریکایی، برنارد باروک، به عنوان پیشنهاد رسمی آمریکا به کمیسیون انرژی اتمی ارائه گردید، و

تگیرم و امر فرمود در کوه ها ساکن نشوم، مگر قسمت سخت و پنهان و آن در شهرها ساکن نشوم مگر شهرهای متروکه و بی آب و علف.»

۴. دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی (عج)
 دروان ظهور به عنوان درخشان ترین فراز تاریخ و بهترین دوران حیات انسانی دارای ویژگی های فراوانی است که از جمله مهم ترین آن ها حاکمیت آخرین معصوم و حجت الهی است.
 درباره ی محل زندگی حضرت مهدی (عج) و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد.
 در برخی از آن ها از «مسجد سهله» به عنوان منزل آن حضرت یاد شده است که با توجه به روایاتی که کوفه را مقر حکومت آن حضرت ذکر کرده، بسیار قابل قبول خواهد بود.

این مسجد دارای شرافتی بسیار است. از جمله گفته شده در این مسجد هزاران پیامبر به نماز ایستاده اند. صالح بن ابوالاسود می گوید: امام صادق (علیه السلام) وقتی سخن از مسجد سهله راند، فرمود: «اما آنکه منزل صاحبنا اذا قام باهله» (۱۴)

«آگاه باش! که همانا مسجد سهله منزل صاحب ماست، آن هنگام که با اهل خود بر آن جا وارد شود.»
 هم چنین در روایتی دیگر آن حضرت به ابابصیر فرمود: «یا اباحمد کائن اری نزول القائم فی مسجد السهله باهله و عیاله». ای ابا محمد! گویا حضرت قائم در در مسجد سهله می بینم که بازن و فرزندانش در آن مستقر می گردد.
 ابو بصیر پرسید: آیا مسجد سهله خانه اش خواهد بود؟ حضرت فرمود: نعم...

آری، این مسجد منزل ادریس است. خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر آن که در این مسجد نماز گزارد. هرکس در این مسجد بماند، مانند آن است که در خیمه ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اقامت کرده است. هیچ مردی زنی نیست، مگر آن که دلش به سوی آن مسجد پر می کشد. روز و شبی نیست مگر آن که فرشتگان به این مسجد پناه می برند و در آن به عبادت خدا می پردازند. (۱۵)

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست هرکجا هست، خدایا به سلامت دارش پی نوشت ها:

۱. سیدبن طاووس، الاقبال، دعای ندبه، ص دوست و نود و هشت.
۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه ی منصور پهلوان، ج ۲، باب ۴۲، ص ۱۲۳
۳. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه ی سیدجواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۱۹، ج ۸۵۹.
۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴، ج ۵
۵. همان، ج ۲، ص ۸۰، ج ۱
۶. کافی، ج ۲، ص ۱۴۱، ج ۱۹
۷. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲، ج ۱۲۱
۸. کافی، ج ۲، ص ۱۴۰، ج ۱۶. ابن ابی زینب، غیبت نعمانی، ص ۱۸۸، ج ۴۱
۹. کافی، ج ۲، ص ۱۱۸، ج ۲؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۲، ج ۱۹۹
۱۰. غیبت نعمانی، ص ۱۸۱، باب ۱۰، ج ۳۰
۱۱. همان، ص ۳۱۵، باب ۲۰، ج ۹
۱۲. طبرسی، محمدبن جریر، دلائل الامامة، ص ۲۹۱
۱۳. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۳، ج ۲۲۸
۱۴. شیخ صدوق، التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲، باب ۲۵، ج ۶۵۰۷
۱۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، باب ۳، ج ۱۳